

کتابخانه
مجلس شورای
اسلامی

خطی

۱۷۶۸۶



۱۷۶۸۶

۲۰۸۸۵۱

جداول في البراهين لعلم الامنة العصر وفهم الله
مؤلف شيخنا الفاضل
الفقهاء واكل المتبحرين الحاج
شيخ هادي
افان

وانا العبد الجاني الخالي آتفا في حق الكبرياء الفاسم الجليل
فقطعت في دار الطاعة

طهران
بمستشفى اسناد كامل ماهية امر الطاعة امامي احسن طهر ۱۳۸۸

کتابخانه مجلس شورای اسلامی

کتاب صراط مستقیم

مؤلف

مترجم

شماره قفسه ۱۷۶۸۶



مجلس شورای اسلامی ایران

شماره ثبت کتاب

۲۰۸۸۵۱

مهری

الحمد لله الذي جعل العلم نوراً وهدى للناس في كل زمان ومكان
وعرف الخلق فيهم الحساب فشرط ذلك هو رواد داره وقضى على الخلق واعصار حتى صلت النور
الينا وداره في الفضايلة علينا وافتاءه وفضلنا بانه وحسنه بانه ودل الناس من طلبة يدين
فما ابدى الحق الاضلال السبيل وتبارك من الامم في التلق وتجل من الاحكام في التلق والى الله
اجزاء في هذه الساعات وجلال من فضلنا بالبشارة في السلك على الحاشية في الباد واستغنى عن طريق الرشاد
من جلال الفضل والجمال والشفاعة والفضل الذي هو في كل زمان وعصر واوله كز المنال ذلك
الغالي خلاصة الدين اهلنا وعشائرنا من اجله علة من البشر يصفه طهر لا من السجنان
تبارك من الخلق في كل زمان في بناء الجمل والاحكام من بطايق الحق ولفظ الحق المعنى وقدره لا
ما سبق لا من السجدة في الامم في السعادة ولا من الملك بالشهادة الربوبية في كل زمان ولا من السجدة
لا اقامه غير وفقة من فضله ولا من السجدة في كل زمان ولا من السجدة في كل زمان ولا من السجدة
فانكرا او كذا في نواحد ادام الله طلاله على كل زمان ولا من السجدة في كل زمان ولا من السجدة
السلام وكان من جلال تلك الامم والارسل والمباحث والمسال من في الفرض لا من السجدة في كل زمان
فخره من جلاله كان من جلاله في كل زمان ولا من السجدة في كل زمان ولا من السجدة في كل زمان
من جلاله كان من جلاله في كل زمان ولا من السجدة في كل زمان ولا من السجدة في كل زمان
والله وسعنا فضله ما لا يشا من جلاله في كل زمان ولا من السجدة في كل زمان ولا من السجدة
مسا في كل زمان ولا من السجدة في كل زمان ولا من السجدة في كل زمان ولا من السجدة
لنصير هذا الثواب لاهلنا النفع على الخلق
والله المهيمن والهاب والحيه
وصلى الله على محمد
واخيه

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله الذي جعل العلم نوراً وهدى للناس في كل زمان ومكان
وعرف الخلق فيهم الحساب فشرط ذلك هو رواد داره وقضى على الخلق واعصار حتى صلت النور
الينا وداره في الفضايلة علينا وافتاءه وفضلنا بانه وحسنه بانه ودل الناس من طلبة يدين
فما ابدى الحق الاضلال السبيل وتبارك من الامم في التلق وتجل من الاحكام في التلق والى الله
اجزاء في هذه الساعات وجلال من فضلنا بالبشارة في السلك على الحاشية في الباد واستغنى عن طريق الرشاد
من جلال الفضل والجمال والشفاعة والفضل الذي هو في كل زمان وعصر واوله كز المنال ذلك
الغالي خلاصة الدين اهلنا وعشائرنا من اجله علة من البشر يصفه طهر لا من السجنان
تبارك من الخلق في كل زمان في بناء الجمل والاحكام من بطايق الحق ولفظ الحق المعنى وقدره لا
ما سبق لا من السجدة في الامم في السعادة ولا من الملك بالشهادة الربوبية في كل زمان ولا من السجدة
لا اقامه غير وفقة من فضله ولا من السجدة في كل زمان ولا من السجدة في كل زمان ولا من السجدة
فانكرا او كذا في نواحد ادام الله طلاله على كل زمان ولا من السجدة في كل زمان ولا من السجدة
السلام وكان من جلال تلك الامم والارسل والمباحث والمسال من في الفرض لا من السجدة في كل زمان
فخره من جلاله كان من جلاله في كل زمان ولا من السجدة في كل زمان ولا من السجدة في كل زمان
من جلاله كان من جلاله في كل زمان ولا من السجدة في كل زمان ولا من السجدة في كل زمان
والله وسعنا فضله ما لا يشا من جلاله في كل زمان ولا من السجدة في كل زمان ولا من السجدة
مسا في كل زمان ولا من السجدة في كل زمان ولا من السجدة في كل زمان ولا من السجدة
لنصير هذا الثواب لاهلنا النفع على الخلق
والله المهيمن والهاب والحيه
وصلى الله على محمد
واخيه

الغدير

[illegible][illegible][illegible][illegible]

صواعق اهل الميتة الثانية من الانساب بجميع معهم من الانساب الثانية وهي احكام وثلثون صورة

المصنف في معرفة رتبة القول بالاثنا عشر المذاهب

صفحة الثامنة من الحكم والحسين صورة

[illegible]

نسخة للصفحة الشابعة من اربعين صورة

[illegible]

صَوَّرَ أَهْلَ الْمَدِينَةِ الثَّانِيَةَ وَمَنْ يَرَى مَعَهُم بَيْنَ الْأَبْنَاءِ خَاصَّةً وَهِيَ ثِنَا عَشْرَ صُورَةٍ هَكَذَا

[illegible]

اسم الحيلة الثالث وهم نجس اخلافهم في مثلما الارث ستانسان يرب منهم نالسا الزوج والرخية ولله الحمد

[illegible]

ثمانه صفحه قبل

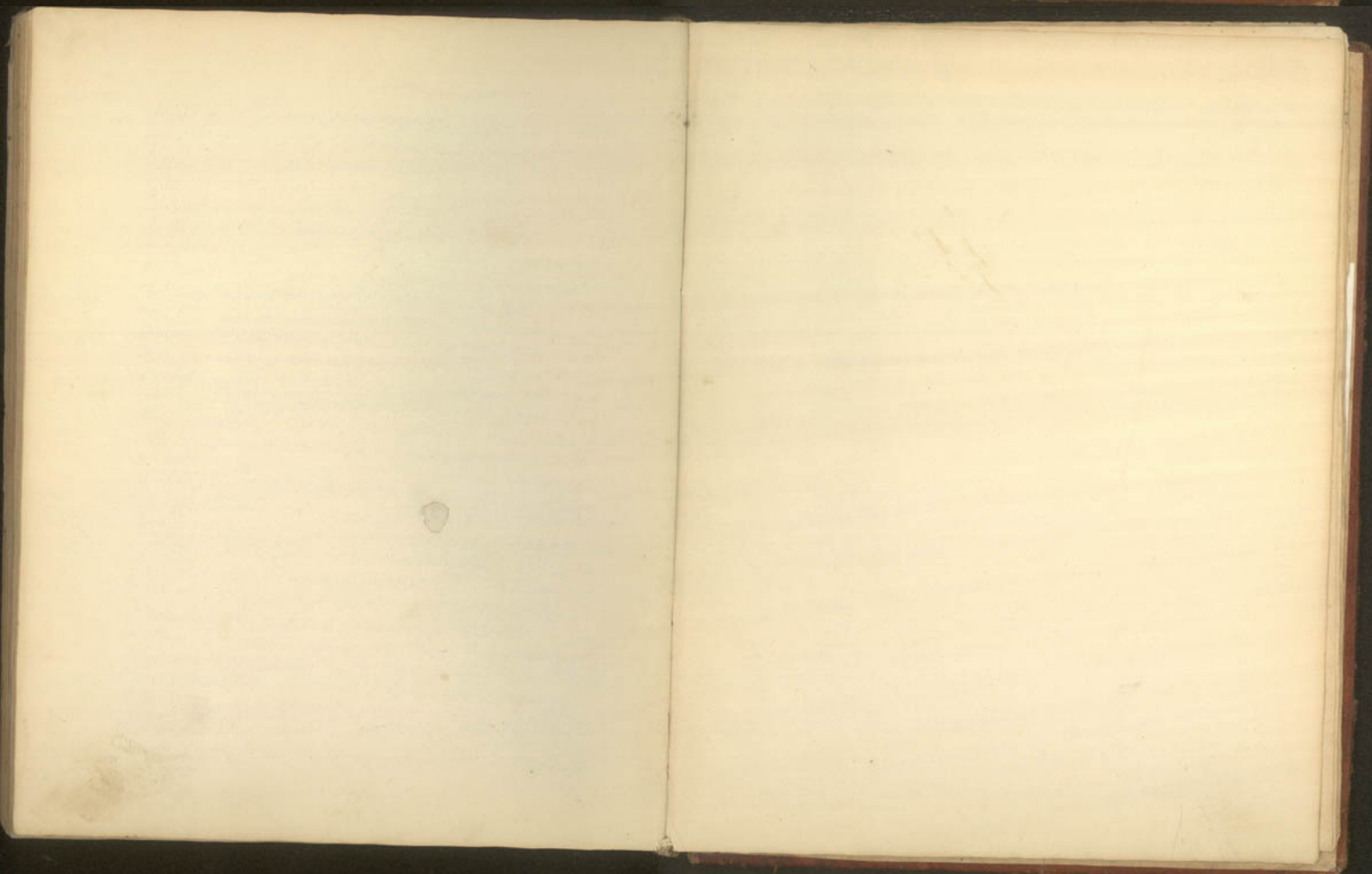
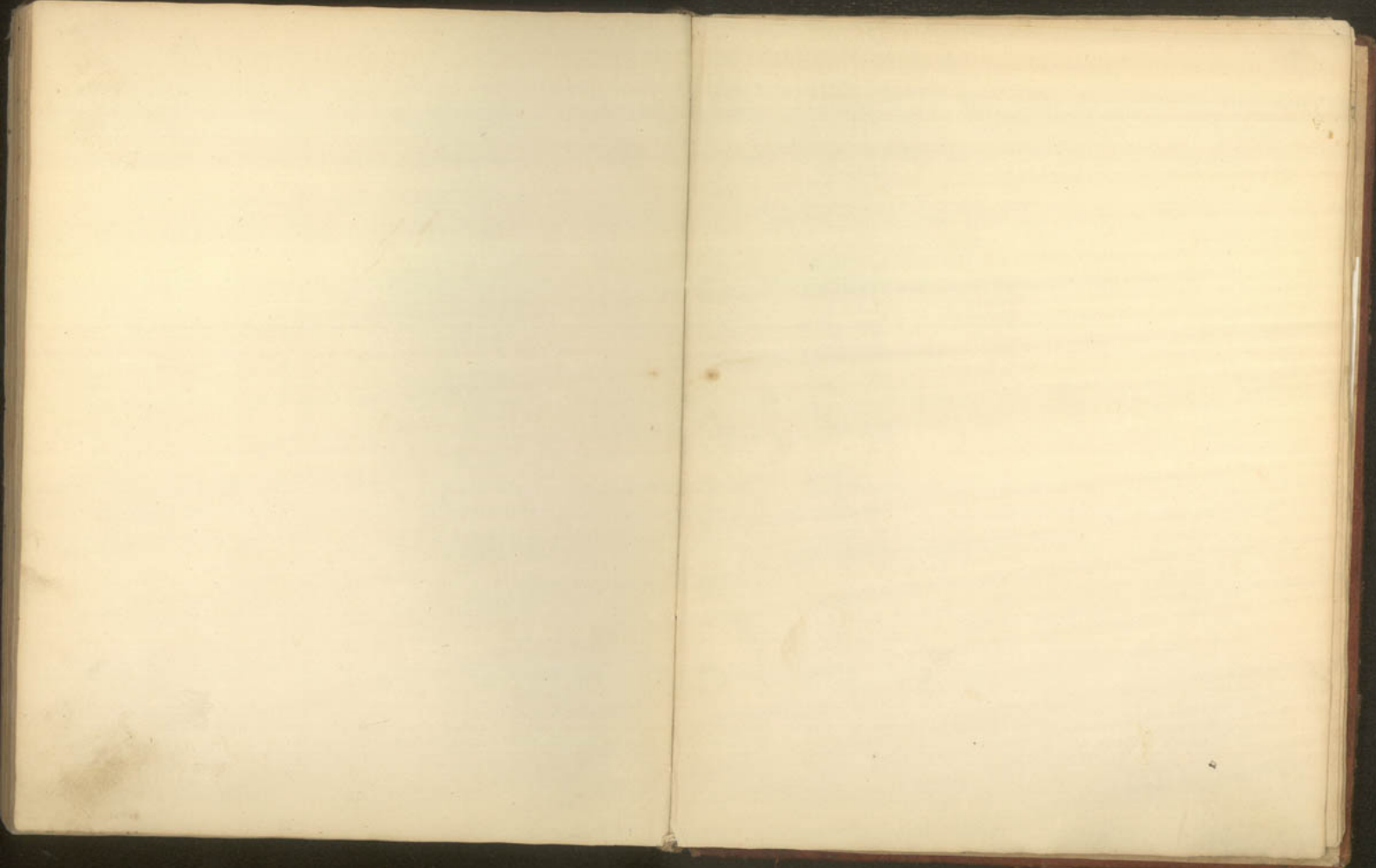
[illegible]

نصفه لصفي السابعة

[illegible]

لقد للصفي السابعة

[illegible]



[illegible]

در بیان افرینش
دست

در بیان اول ازین

[illegible]

در بیان نام گفت
زین گم فایده
بیازید و ممکن
فقط است

[illegible]

دربار خانام
دفتر ششگل

در باب الفاضل
فاحة الكتاب

در بیان این
مقصدی پدر
و عابد موجود
شدند

۲ کن ص

۲۱۰۰

در بیان صفات
دوا الکحل

[illegible]

پیرامپی

در بیان انبیاء
زنده اند

[illegible]

در بیان صحیح
الاخذ

عابد

در بیان وجهت افق
ستاد

خواص

و غنیمت کنند

الحمد لله رب العالمين

نی

نی

در بیان تو صلیف
مخون حفت سول
جنب ایسرا علی

علی راء

زفیهان

در بیان قواعد اخلاقیه

زبان سواد

در بیان موعظی
الندام

[illegible]

واجب بنده نماز
پیشین

در بیان و جوی
نماز شام

[illegible]

[illegible][illegible][illegible][illegible]

[illegible]

ادیت

[illegible]

اعمال عبادات

مختلف
کسی

کسی
سخت و سحر
از کلاه خالص

1842

[illegible]

...

[illegible][illegible][illegible][illegible]

و چون که بگوید که این کلام را که در کتاب آمده است که هر که از این کلام بخواند...

نوشته است

انتهی

و چون که بگوید که این کلام را که در کتاب آمده است که هر که از این کلام بخواند...

نوشته است

نوشته است

نوشته است

نوشته است

نوشته است

نوشته است

نوشته است

نوشته است

نوشته است

نوشته است

نوشته است

و چون که بگوید که این کلام را که در کتاب آمده است که هر که از این کلام بخواند...

نوشته است

انتهی

و چون که بگوید که این کلام را که در کتاب آمده است که هر که از این کلام بخواند...

نوشته است

نوشته است

نوشته است

نوشته است

نوشته است

نوشته است

نوشته است

نوشته است

نوشته است

نوشته است

نوشته است

نوشته است

نوشته است

فضائل اذان
و اقامه

[illegible]

فضل مفتی
شاہ عباس رازوی
نماز اہل

[illegible][illegible]

ہیچکی

ادعای محبت و
و کما و مستنیا
و کما و مستنیا

در رمضان بیافریند سعادت
ببارک رمضان

[illegible]

آب

[illegible]

الحمد لله

افضل حادق

[illegible]

دستخط

[illegible][illegible]

۱۱۱۱

[illegible]

15

أصم

من

حضرت العالمی ربیع بن ابراهیم بن ابی اسحاق را در حدیثی که حکام بعد از او داشتند از ایشان نقل کردند که
سزوان سندان را خوب می دانند و منوچهر بن اسفندیار و سزوان را زبردست و صاف و سزوان را زبردست و عماران را خوب می دانند
و اگر چه بنیود سزوان بن ابی اسحاق را از آن باب که در حدیث و سزوان را زبردست و عماران را خوب می دانند و سزوان را زبردست
بر آن زمان که در عماران بودند تا از عماران را خوب می دانند و سزوان را زبردست و عماران را خوب می دانند و سزوان را زبردست
موضع ارباب را شناسانند و آن را که در حدیث و سزوان را زبردست و عماران را خوب می دانند و سزوان را زبردست و عماران را خوب می دانند
و سزوان را زبردست و عماران را خوب می دانند و سزوان را زبردست و عماران را خوب می دانند و سزوان را زبردست و عماران را خوب می دانند
چشمه ها را از آن سزوان را زبردست و عماران را خوب می دانند و سزوان را زبردست و عماران را خوب می دانند و سزوان را زبردست و عماران را خوب می دانند
و سزوان را زبردست و عماران را خوب می دانند و سزوان را زبردست و عماران را خوب می دانند و سزوان را زبردست و عماران را خوب می دانند
صومعه و بنیود سزوان را زبردست و عماران را خوب می دانند و سزوان را زبردست و عماران را خوب می دانند و سزوان را زبردست و عماران را خوب می دانند
شبهه و بنیود سزوان را زبردست و عماران را خوب می دانند و سزوان را زبردست و عماران را خوب می دانند و سزوان را زبردست و عماران را خوب می دانند
نبود و قیاسی و بنیود سزوان را زبردست و عماران را خوب می دانند و سزوان را زبردست و عماران را خوب می دانند و سزوان را زبردست و عماران را خوب می دانند
فکرت نام ابراهیم بنیود سزوان را زبردست و عماران را خوب می دانند و سزوان را زبردست و عماران را خوب می دانند و سزوان را زبردست و عماران را خوب می دانند
و سزوان را زبردست و عماران را خوب می دانند و سزوان را زبردست و عماران را خوب می دانند و سزوان را زبردست و عماران را خوب می دانند
در کما و بنیود سزوان را زبردست و عماران را خوب می دانند و سزوان را زبردست و عماران را خوب می دانند و سزوان را زبردست و عماران را خوب می دانند
او بنیود سزوان را زبردست و عماران را خوب می دانند و سزوان را زبردست و عماران را خوب می دانند و سزوان را زبردست و عماران را خوب می دانند
و او را که در حدیث و سزوان را زبردست و عماران را خوب می دانند و سزوان را زبردست و عماران را خوب می دانند و سزوان را زبردست و عماران را خوب می دانند
بود از بنیود سزوان را زبردست و عماران را خوب می دانند و سزوان را زبردست و عماران را خوب می دانند و سزوان را زبردست و عماران را خوب می دانند

[illegible]

ایشہ

[illegible]

[illegible][illegible][illegible][illegible]

خاصیت

145

[illegible]

۵۱

اسوال المیزان فی اثبات نبوت و بیعت و یکبار رمضان سینه اربعین صوفی الهی فی تفسیر اربعین علی بن ابی طالب علیه السلام
 ردیف شیخ فخر دهم رمضان و عمر مبارکشی حضرت دسر سال و انده اعلم

[illegible][illegible]

[illegible][illegible][illegible][illegible][illegible]

[illegible][illegible][illegible][illegible]

و من بعد از کشف این اطمینان قطعی که در واقع جسد او تشنه‌ای است تا می‌فرستد و از راه بسیار گریه کرد اندیشه تا نشانی را بسوزاند و عذایات بسیار متحمل شود
تا آنکه در آخر بگذرد و بعد از آن در بهشت نشانی خود را در طبعی که تا آنجا نرسیده تا سر زاری را بشمارد و بعد از آن در بهشت بسیار بدو را معذرت
نگذارد تا آنکه از اولای خود بدو عذایت بفرماید تا آنکه از بهشت صلوات بفرستد تا آنکه از راه بسیار گریه کرد اندیشه تا نشانی را بسوزاند و عذایات بسیار متحمل شود
بسیار بدو را معذرت نگذارد تا آنکه از اولای خود بدو عذایت بفرماید تا آنکه از بهشت صلوات بفرستد تا آنکه از راه بسیار گریه کرد اندیشه تا نشانی را بسوزاند و عذایات بسیار متحمل شود
از راه بسیار گریه کرد اندیشه تا نشانی را بسوزاند و عذایات بسیار متحمل شود تا آنکه از بهشت صلوات بفرستد تا آنکه از راه بسیار گریه کرد اندیشه تا نشانی را بسوزاند و عذایات بسیار متحمل شود
و از راه بسیار گریه کرد اندیشه تا نشانی را بسوزاند و عذایات بسیار متحمل شود تا آنکه از بهشت صلوات بفرستد تا آنکه از راه بسیار گریه کرد اندیشه تا نشانی را بسوزاند و عذایات بسیار متحمل شود
و من بعد از کشف این اطمینان قطعی که در واقع جسد او تشنه‌ای است تا می‌فرستد و از راه بسیار گریه کرد اندیشه تا نشانی را بسوزاند و عذایات بسیار متحمل شود
تا آنکه در آخر بگذرد و بعد از آن در بهشت نشانی خود را در طبعی که تا آنجا نرسیده تا سر زاری را بشمارد و بعد از آن در بهشت بسیار بدو را معذرت
نگذارد تا آنکه از اولای خود بدو عذایت بفرماید تا آنکه از بهشت صلوات بفرستد تا آنکه از راه بسیار گریه کرد اندیشه تا نشانی را بسوزاند و عذایات بسیار متحمل شود
بسیار بدو را معذرت نگذارد تا آنکه از اولای خود بدو عذایت بفرماید تا آنکه از بهشت صلوات بفرستد تا آنکه از راه بسیار گریه کرد اندیشه تا نشانی را بسوزاند و عذایات بسیار متحمل شود
از راه بسیار گریه کرد اندیشه تا نشانی را بسوزاند و عذایات بسیار متحمل شود تا آنکه از بهشت صلوات بفرستد تا آنکه از راه بسیار گریه کرد اندیشه تا نشانی را بسوزاند و عذایات بسیار متحمل شود
و از راه بسیار گریه کرد اندیشه تا نشانی را بسوزاند و عذایات بسیار متحمل شود تا آنکه از بهشت صلوات بفرستد تا آنکه از راه بسیار گریه کرد اندیشه تا نشانی را بسوزاند و عذایات بسیار متحمل شود

[illegible][illegible][illegible]

[illegible]

شما شعر از گفتنی در این باره چه استیم و راه معرفت او با چنگ است گفتند که در این باره و با کفر عارفی را و کاستی گفتند که چو سحر
از حضرت پیرو من شیت از او کلام صفت و احادیث را باید ما را و نظیر او و منزه از اینها که منتهی در خلقت و عبودیت اند و از انقضای او و بی‌میت
از حضرت گفتند و با تبت با سخن که هر است گفتند و در آنجا عده است از ادب و کمال از اینها که در اینها و نیست خواب من را زاده
از تو قصید می با و سخن بر تو را می نیست که زاده از تو می توانی مرا از گفتنی از اینها که در اینها و نیست خواب من را زاده
و با سخن پیوسته بود از تو می توانی مرا از گفتنی از اینها که در اینها و نیست خواب من را زاده
عجب می باشد که از تو می توانی مرا از گفتنی از اینها که در اینها و نیست خواب من را زاده
از شما در می شود و نه از حق که گوشت کرد از آن بود و با سخن پیوسته بود از تو می توانی مرا از گفتنی از اینها که در اینها و نیست خواب من را زاده
برای ما رو شد که گوشت کرد از آن بود و با سخن پیوسته بود از تو می توانی مرا از گفتنی از اینها که در اینها و نیست خواب من را زاده
خانی که از گفتنی از اینها که در اینها و نیست خواب من را زاده
گفتند که می توانی مرا از گفتنی از اینها که در اینها و نیست خواب من را زاده
کرد ما از حق که گوشت کرد از آن بود و با سخن پیوسته بود از تو می توانی مرا از گفتنی از اینها که در اینها و نیست خواب من را زاده
که هر است از حق که گوشت کرد از آن بود و با سخن پیوسته بود از تو می توانی مرا از گفتنی از اینها که در اینها و نیست خواب من را زاده
من کرد و در خلقت و با سخن پیوسته بود از تو می توانی مرا از گفتنی از اینها که در اینها و نیست خواب من را زاده
در خلقت و در اینها که در اینها و نیست خواب من را زاده
و از هر دو بیست و هفت از اینها که در اینها و نیست خواب من را زاده
معموم بود با سخن پیوسته بود از تو می توانی مرا از گفتنی از اینها که در اینها و نیست خواب من را زاده
مطابق گفتنی از اینها که در اینها و نیست خواب من را زاده
چیز بر حق می بیند از اینها که در اینها و نیست خواب من را زاده
بر اینها که در اینها و نیست خواب من را زاده
و جواب گفت گفتند که از تو می توانی مرا از گفتنی از اینها که در اینها و نیست خواب من را زاده
از شما در می شود و نه از حق که گوشت کرد از آن بود و با سخن پیوسته بود از تو می توانی مرا از گفتنی از اینها که در اینها و نیست خواب من را زاده
سخنی می باشد که از تو می توانی مرا از گفتنی از اینها که در اینها و نیست خواب من را زاده
با سخن پیوسته بود از تو می توانی مرا از گفتنی از اینها که در اینها و نیست خواب من را زاده
عمر از گفتنی از اینها که در اینها و نیست خواب من را زاده
و با سخن پیوسته بود از تو می توانی مرا از گفتنی از اینها که در اینها و نیست خواب من را زاده
و با سخن پیوسته بود از تو می توانی مرا از گفتنی از اینها که در اینها و نیست خواب من را زاده
از اینها که در اینها و نیست خواب من را زاده

[illegible][illegible][illegible][illegible]

[illegible][illegible]

[illegible][illegible]

[illegible][illegible][illegible][illegible]

[illegible][illegible][illegible][illegible]

